

شرحی کوتاه دربارهٔ واژه‌های فارسی (Vowels)

زبان ابزاری است اجتماعی و وسیله‌ای برای بیان مافی‌الضمیر که از صوت‌های محدود گفتاری تشکیل یافته است. هر اجتماع زبانی از صوت‌هایی که واج Phoneme نامیده می‌شوند استفاده می‌کند. واج کوچکترین واحد صوتی است که جابجائی آن موجب تغییر صورت کلمه و در نتیجه تغییر معنا می‌شود. مثلاً در کلمه /ba:r/ و /na:r/ تغییر واج‌های /b/ و /n/ موجب تغییر صورت کلمه و تمایز معنا شده است.

نقش عمده واج «جدا سازی واحدهای گفتاری از یکدیگر و ایجاد تمایز بین معانی واحدهای گفتاری است»^۲. هر اجتماع زبانی خواه صورت نوشتاری برای زبان خود داشته باشد یا نه از شمار معدودی از واج‌ها استفاده می‌کند که الزاماً مشابه واج‌های زبان‌های دیگر نیستند. با اصطلاح زبان‌شناسی همه زبان‌ها فونتیک هستند یعنی واج‌های هر زبان قابل تجزیه و توصیف می‌باشند و از تجزیه و تشخیص

*- واج نویسه‌ها که در داخل / / نوشته می‌شوند مقبوس از سبک واج‌نویسی Daneil Jones می‌باشند.

آنها تعداد واقعی واج‌های آن زبان در يك مقطع زمانی مشخص ، تعیین و روشن میشود . تا امروز معلوم شده است که «زبان هاوایی ۱۳ یعنی کمترین واج‌ها و گونه‌ای از زبان قفقازی ۷۵ یا بیشترین واج‌های زبان‌های شناخته شده را دارا می‌باشند»^۳ . اجمالا می‌توان گفت از ترکیب واج‌ها ، به عبارت دیگر «از ترکیب واحدها و قالب‌های صوتی با واحدها و قالب‌های معنایی ، سیستم ارتباط یعنی زبان بوجود می‌آید»^۴ . لازم به یاد آوری است که حروف ، شکل یا نماینده نوشتاری صورت‌های زبان هستند و بعنوان عاملی قاطع یا نماینده کامل جهت بررسی واج‌های زبانی ویژه به کار نمی‌روند . زیرا شکل نوشتاری (خط) بعلمت محدودیت‌هایی که دارد معرف جامعی برای صوت های زبان نمی‌تواند باشد ، از طرف دیگر شکل نوشتاری از لحاظ قدمت و محدودیت‌های ذاتی خود ، نسبت به زبان گفتاری در درجه دوم اهمیت قرار دارد * .

برای توصیف فیزیکی واج‌ها باید اندام‌های فراگویی را که مولد صوت‌ها هستند بررسی نمود در این بررسی که صوت شناسی تولیدی نامیده میشود مکانیسم تولید صوت‌های گفتاری و ارتباط آنها با اندام‌های تولیدکننده مطالعه میشود . این اندام‌ها ، علاوه برشش‌ها ، تارهای صوتی ، نرم کام ، زبان ، فك پائین و لب‌ها هستند ** .

*- برای توضیح بیشتر به فصل « زبان گفتاری و زبان نوشتاری » اثر J. F. Wallwork ، صفحه ۱۴ از کتاب *Language and Linguistics* مراجعه شود .

** - برای مطالعه نحوه تولید صوت و بررسی اندام‌های فراگویی به کتاب *An Outline of Phonetics* نوشته دانیل جونز مراجعه شود .

واج‌ها به دو دسته عمده طبقه‌بندی میشوند :

۱- اگر هوای رانده شده از شش‌ها پس از برخورد و ارتعاش تار آواها بدون تماس با مانعی در محفظه دهان، آزادانه خارج شود، صوت یسا واج تولید شده را واژه ساده (Vowel) می‌نامند^۵. مثلاً در فراگوئی واج / a : / هوای داخل شش‌ها بعد از برخورد با تار آواها و مرتعش نمودن آنها بطور آزاد از محفظه دهان خارج میشود.

۲- اگر هوای بازدم قبل از خروج از محفظه دهان یا از راه بینی با مانعی برخورد کند، صوت تولید شده را همخوان (Consonant) می‌نامند^۶. مثلاً در فراگوئی واج / b / هوای داخل شش‌ها بعد از ارتعاش تار آواها در اثر انسداد لب‌ها محدود می‌شود و تا وقتی که لب‌ها از هم جدا نشده‌اند و هوای فشرده داخل محفظه دهان با فشار به بیرون رانده نشده است این صوت تولید نمی‌شود. ارتعاش یا عدم ارتعاش تار آواها، همخوان‌ها را به دو دسته متمایز تقسیم می‌کند :

الف - همخوان‌های واکبر Voiced Consonants

بهنگام فراگوئی این واج‌ها تارهای صوتی بهم نزدیک میشوند و هوای رانده شده از داخل شش‌ها در اثر برخورد با تار آواها آنها را به ارتعاش درمی‌آورد. مانند / b / و / d /.

ب - همخوان‌های بی‌واک Voiceless Consonants

بهنگام فراگوئی این واج‌ها تارهای صوتی از هم جدا

می‌شوند و هوای شش بدون برخورد و ارتعاش تارآواها از وسط آنها میگذرد مانند / p / و / t / .^۷

۳- واکه‌های دو گانه Diphthongs .

اگر بهنگام فراگوئی واکه‌ها، اندام‌های صوتی از جایگاه گزارش یک واکه شروع و به سوی گزارش واکه دیگر کشانیده شوند واج تولید شده را واکه دو گانه می‌نامند.^۸

زبان فارسی فقط از یک واکه دو گانه /ou/ استفاده می‌کند مثال /dour/ و /fouri/ .^۹ واکه این واژه‌ها با / o / متمایز است زیرا اگر این واژه‌ها را با / o / گزارش کنیم معانی خود را از دست میدهند و یا نامفهوم می‌شوند .

با توجه به تعاریف فوق زبان فارسی از ۶ واکه :

i, e, æ, a:, o, u

و از ۲۳ همخوان :

p, b, t, d - k, **g- f, v- s, z- r, ʒ - tʃ - dʒ, m- n - l- r- j- x- ʎ- ʔ- h

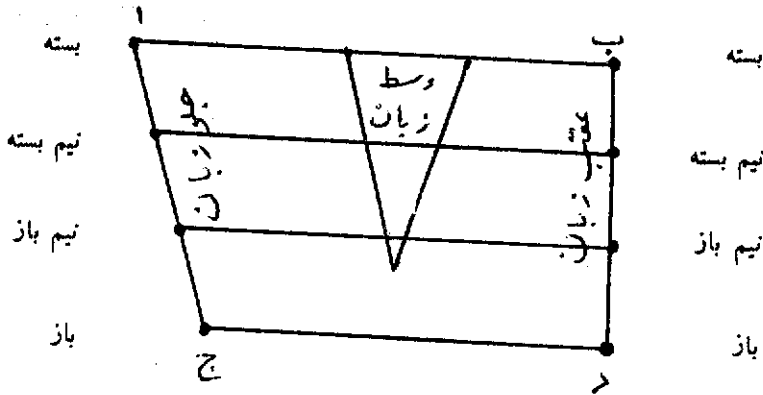
و از یک واکه دو گانه /ou/ استفاده می‌کند و از ترکیب این ۳۰ واج سخن گزاران زبان فارسی کنونی منظورها و نیازهای خود را به صورت گفتار یا نوشتار اظهار میدارند * .

*- چون منظور بررسی واکه‌ها است از توضیح مفصل همخوانها و صورت‌های زیر زنجیری گفتار در این نوشته خودداری شده است .

** - در لهجه‌های غیر تهرانی واج q در کلماتی مانند qend و غیره وجود دارد و چون گزارش آن تمایز معنا ایجاد نمی‌کند لذا واج جدا گانه محسوب نشده است .

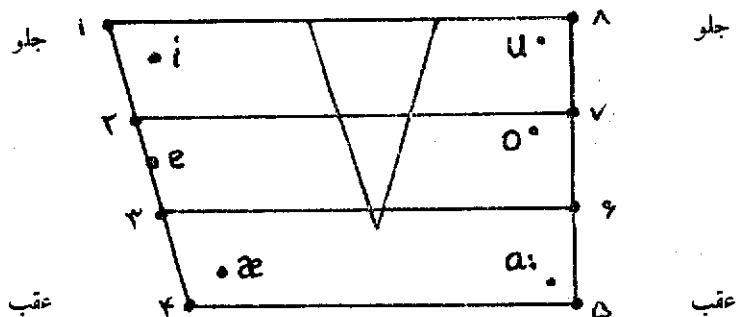
واک‌های شاخص Cardinal Vowel System

دانیل جونز Daniel Jones که او را راهنمای واجشناسان زبان انگلیسی میدانند، برای توصیف واک‌ها و تعیین جایگاه فراگویی آنها سیستمی ابداع کرد که بنام دستگاه واک‌های شاخص مشهور است. واک‌های شاخص متعلق به زبان ویژه‌ای نیستند بلکه بعنوان شاخص برای تعیین جایگاه فراگویی واک‌های زبان‌های دیگر از آنها استفاده می‌شود^۱. این واک‌ها را می‌توان مانند نمودار ۱ بشرح زیر نشان داد.



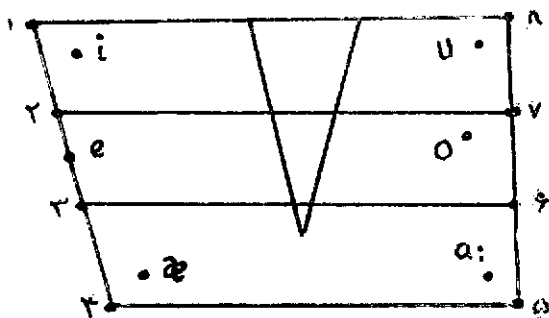
نمودار ۱

خط ا-ج حرکت قسمت جلو زبان را از بالاترین تا پائین‌ترین قسمت دهان و خط د-ب حرکت قسمت عقبی زبان را از پائین‌ترین تا بالاترین قسمت دهان نشان می‌دهد. خط‌های ا-ب-ج-د معرف تغییر تدریجی زبان از جلو به عقب می‌باشند. در نمودار ۲ هشت واک شاخص با توجه به جایگاه زبان در هنگام فراگویی آنها دیده می‌شود^۱.



نمودار ۲

با استفاده از این واکه‌ها جایگاه واکه‌های شش‌گانه زبان فارسی مطابق نمودار ۳ تعیین می‌شود.



نمودار ۳

توصیف فونتیکی واکه‌های فارسی

در توصیف فونتیکی واکه‌های هر زبان باید به سه قسمت اساسی زیر توجه شود:

الف- درجه بستگی یا بازی دهان

ب- جایگاه زبان (جلو یا عقب)

ج- حالت لبها (گرد - کشیده - صاف)^{۱۲}.

با مراعات نکات فوق واژه‌های فارسی بشرح زیر توصیف می‌شوند .

۱- / i / ای . واژه‌ایست در ناحیه واکه شاخص شماره ۱ ، جلوی (در فراگویی آن جلو زبان برجسته‌ترین قسمت این عضو است) بسته (افراستگی زبان در آخرین حد آن است) و در فراگویی آن نرم‌کام افراشته ، لبها گسترده، فاصله فکها نسبتاً کم و نوک زبان در پشت اندامهای پائین قرار دارد .

این واکه در آخر کلمات ، بعد از همخوان بصورت ی مانند می و در کلمات یک یا چند هجائی بعد از همخوان بصورت ی ، ی مانند دیشب - میزان و در آغاز کلمه بصورت ای و عی مانند ایران-عیسی نوشته می‌شود . وقتی در آخر هجا و پس از واکه قرار گیرد بصورت ای ، ئی یا عی ظاهر میشود مانند ناله‌ای، رضائی * - داعی .

این واکه نسبت به واژه‌های o:a:e کشیده‌تر گزارش میشود و قبل از همخوان‌های / j / و / n / گونه کوتاهی از آن ظاهر میشود مثال : /sija:æt/ سیاست /bija:ba:n/ بیابان و /zəmin/ (در کلمه آخر واکه / i / نسبت به واکه کلمه مثلا /zəmir/ کوتاه‌تر است) .

۲- / e / ا . واژه‌ایست در ناحیه واکه شاخص شماره ۲ ، جلوی ، نیم بسته (افراستگی زبان نسبت به واکه / i / کمتر است) .

*- / i / در خط فارسی به صور مختلف پیشنهاد شده است . عده‌ای عقیده دارند این واج در واژه‌هایی مانند ناله‌ای و یا ئیدرژن باید به صورت «ئ» نوشته شود .

در فراگویی آن نرم کام افراشته، لبها گسترده و فاصله فكها نسبت به واکه / i / بیشتر است. نوک زبان با پشت دندانهای پائین تماس پیدا می کند.

صورت نوشتاری این واکه فقط در آغاز کلمه بصورت ا یا ع ظاهر میشود. مانند ارادت و علم. / e / اگرچه واکه ای کوتاه است ولی کشش آن قبل از خوشه های همخوانی افزایش می یابد. سنج:

/reza:/ د /rezg/ .

۳- / e / آ. واکه ایست در ناحیه واکه شاخص شماره ۴، جلوی، باز (زبان در کف دهان کاملاً گسترده است) و در فراگویی آن نرم کام افراشته، فاصله دو فك نسبتاً زیاد و لبها حالتی صاف دارند. صورت نوشتاری این واکه فقط در اول کلمه و بصورت ا و ع ظاهر میشود مانند ابر، عقرب. کشش این واکه قبل از خوشه های همخوانی افزایش می یابد سنج: /mærd/ و /mæ:/ .

۴- / a: / آ. واکه ایست در ناحیه واکه شاخص شماره ۵، عقبی (عقب زبان افراشته) و باز که در فراگویی آن نرم کام افراشته، لبها گرد و فاصله فكها نسبتاً زیاد است. این واکه در خط معمولاً به صورت «ا» مانند مار و دار نمایانده می شود. در آغاز هجای ابتدا به ساکن و یا پس از واکه بصورت آ و عا ظاهر میشود مانند آب، عادت و مأل، سعادت.

این واکه کشیده است ولی در موارد زیر کوتاه گزارش می شود:

الف - وقتی که در هجاء بی فشار قرار گیرد. سنج:

* /na'ka:m/ در /'ka:m/ و /'na:/

ب - وقتی قبل از واج h قرار گیرد . سنج :

/ka:m/ و /kah/

ج - وقتی قبل از واج n قرار گیرد . سنج :

/dʒa:m/ و /dʒan/

۵- / o / ا' . واکه‌ایست در ناحیه واکه شاخص شماره ۷ ،

عقبی ، نیم بسته (افراستگی زبان قرینه واکه e است) که در فراگویی آن نرم کام افراشته ، لبها گرد و تا حدی بیرون جسته و فاصله فكها نسبتاً متعادل است . این واکه در آغاز کلمه بصورت ا و e نوشته میشود مانند اردو - عمر گاهی نیز به صورت «و» ظاهر میشود مانند تو خورشید .

این واکه قبل از خوشه‌های همخوانی کشیده‌تر گزارش میشود.

سنج: /rok/ و /ro:kn/ .

۶- u او . واکه‌ایست در ناحیه واکه شاخص شماره ۸ ، عقبی ،

بسته (عقب زبان در آخرین حد افراستگی قرار دارد) که در فراگویی آن نرم کام افراشته ، لبها کاملاً گرد و بیرون جسته و فاصله فكها متناسب است . این واکه بعد از همخوان به صورت «و» مثلاً در واژه «رو» و در اول هجا به صورت او ، عو ، و ، یا تو نوشته می‌شود مثال: او - عود - مسوول - مشووم . این واکه کشیده است ولی در موارد زیر گونه کوتاه آن ظاهر میشود :

*-۱ علامت فشار است و روی هجای فشار برگذاشته می‌شود .

الف - درجه‌های بی‌فشار-سنج: /mur/ و /mur'te/ .

ب - قبل ازواج / n / - سنج: /xub/ و /xun/ .

ج - قبل ازواج / h / - سنج: /kuk/ و /kuh/ .

۷- /ou/ ا. در آغاز فراگویی این واکه زبان در جایگاه

نیم بسته با افراستگی لازم جهت گزارش واکه / o / قرار می‌گیرد و

سپس به سوی جایگاه بسته حرکت و برای گزارش واکه / u / بحد

کافی افراشته می‌شود. لب‌ها گرد و در طول فراگویی بتدریج گردتر

می‌شوند. فاصله دو فك در آغاز متوسط و بتدریج کمتر می‌گردد و نرم

کام افراشته است. مثال /sout/ و /sour/ .

این واکه در خط فارسی در کلمات يك هجائی و پس از همخوان

بصورت «و» ظاهر می‌شود مانند صوت و شور و وقتی در آغاز هجا

گزارش شود بصورت «او و عو» نوشته می‌شود مانند اورنگ و عودت .

از بحث فوق چنین استنباط می‌شود که :

۱- بهنگام فراگویی کلیه واکه‌های فارسی، نرم‌کام افراشته است.

۲- این واکه‌ها در مجاورت همخوانهای خیشومی، خیشومی-

دهانی می‌شوند. مثال :

în - rēnd - mæn - kâ : n - kônd - xûn*

۳- از نظر واجشناسی واکه‌های ساده زبان فارسی تشکیل يك

سیستم منظم می‌دهند که خصوصیات تمایز دهنده آنها سه درجه افراستگی

زبان از يك طرف و تضاد جلوی-عقبی آنها از طرف دیگر است .

* ۸ علامت خیشومی بودن واکه است .

منابع و مأخذ :

- | | | |
|----------------------------------------------------------|----------|----|
| | صفحه ۳۰ | ۱ |
| Language and Linguistics, J. F. Wallwork, | | |
| | صفحه ۱۵ | ۲ |
| A Course in Modern Linguistics, Hockett | | |
| | صفحه ۹۳ | ۳ |
| | ایضاً | |
| | صفحه ۱۲ | ۴ |
| Language Teaching, Robert Lado | | |
| | صفحه ۱۲ | ۵ |
| The Story of Language, C. L. Barber | | |
| | صفحه ۱۶ | ۶ |
| | ایضاً | |
| | صفحه ۳۴ | ۷ |
| Language and Linguistics, J. F. Wallwork | | |
| | صفحه ۵۸ | ۸ |
| An Outline of English Phonetics, D. Jones | | |
| | صفحه ۳۶ | ۹ |
| The Principles of the International Phonetic Association | | |
| | صفحه ۴ | ۱۰ |
| | ایضاً | |
| | صفحه ۳۵ | ۱۱ |
| Language and Linguistics, J. F. Wallwork | | |
| | صفحه ۱۰۳ | ۱۲ |
| Introduction to Theoretical Linguistics, J. Lyons | | |